

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۳ دسمبر ۲۰۱۷

[آخر ای مه هلاک شد دل من]

آخر ای مه هلاک شد دل من
بی تو ای نو شگفته غنچه گل
گر به عالم نظر کنی ، چه شود
رحمی ، ای نونهال گلشن جان
به من خسته یک نظاره بکن
تو ز من جان بخواه تا بدهم
شعله بر خانمان من زده ای
از چه منعم کنی ز سوز و گداز ؟
این که زلفت کمند راه منست
چه گنه کرده ام که می کشییم
آه از آن چشم مست پرفتن تو
دست من گر به دامن نرسد
در غمت چاک - چاک شد دل من
خسته و دردناک شد دل من
بر سرم یک گز کنی ، چه شود ؟
گر به این چشم تر کنی ، چه شود ؟
دردم از یک نظاره چاره بکن
ور نگوئی سخن ، اشاره بکن
دشنه بر استخوان من زده ای
تو خود آتش به جان من زده ای
شرحی از طالع سیاه منست
مگر عاشق شدن گناه منست ؟
و آن نهفته نگاه کردن تو !
ای صنم خون من به گردن تو !

شهر دوشنبه ۱۹۲۵